

کی عدالت نمیخواهد؟ آقای بشردوست! عدالت میخواهی یا قدرت؟

پورتال افغان جرمن آنلاين دربخش مطالب صوتی خود، مصاحبه جالب و شنیدنی خانم سحبه را با آقای رمضان بشردوست گذاشته است. من این مصاحبه را برای بار دوم شنیدم. در تاریخ ۲ جنوری ۲۰۱۱، خانم سحبه کامرانی در برنامه جالب تلویزیونی خود، مصاحبه یی داشت با آقای رمضان بشردوست پیرامون انتخابات پارلمانی و محکمه بررسی شکایات کانديدان و ديگر مسایل سياسي و اجتماعي افغانستان، که بیش از دوساعت را دربرگرفت. آقای بشردوست در پاسخ به سوالات خانم سحبه، از تقلاب گسترده در انتخابات و اقدامات غیرقانونی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات و اوضاع سياسي و اجتماعي و اقتصادي افغانستان تصویری بس رفتار با مثالها و فاکنهای عینی ارائه داد. آقای بشردوست خاطر نشان کرد که بخاطر نجات کشور از تکه تکه شدن (تحزیه) باید افغانهای مقیم خارج دست اتحاد بهم داده و صدای مادروطن را از طریق تلویزیونها و نشرات خارجی و یا تماس مستقیم با رهبران کشورهای میزبان بگوش جامعه بین المللی برسانند.

خانم سحبه ضمن هموائی بانظریات و توضیحات آقای بشردوست این سوال را از وی نمود که چرا دست به ایجاد یک تشکل سياسي از نیروهای ملی و وطندوست در داخل کشور نمی زند؟

آقای بشردوست پاسخ داد که در حال حاضر برای برون رفت کشور از بحران موجوده، روی یک پروژه کار میکند و عنقریب آنرا به صفحه انترنت خواهد گذاشت. آقای بشردوست افزود که، افغانستان با رهبری کرزی و یا عبدالله و فهیم و کریم خلیلی و امثال اینها از بحران موجوده نجات یافته نمیتواند، زیرا اینها جز منافع شخصی خود به چیز دیگری نمی اندیشند و هر یک اینها امتحان خود را به ملت افغانستان داده اند. آقای بشردوست پیشنهاد نمود که، برای برون رفت از بحران موجوده من پیشنهاد میکنم تا شورای امنیت ملل متحد اداره افغانستان را بدست بگیرد و کار اول شورای امنیت می باید ایجاد یک محکمه بین المللی بمنظور تحقق عدالت اجتماعی در کشور (مثل محکمه ای که در لبنان برای محاکمه کردن قاتلان رفیق حریری صدراعظم آن کشور دایر کرده است)، باشد. این شورا می باید تمام مجرمین جنگی سی سال اخیر را به پیای میز محاکمه بکشاند. همچنان شورای امنیت برای تصفیه اداره مملکت از وجود رشوه خوران و اختلاس گران و غاصبان ملکیت های شخصی و دولتی و ثروت های ملی یک محکمه اختصاصی نیز ایجاد کند.

خلاصه آقای بشردوست صحبت های جالبی پیرامون اوضاع سياسي، اجتماعي و اقتصادي کشور نمود که من نمیتوانم همه صحبت های وی را اینجا بتکرار بازگو کنم، علاقمندان میتوانند پاسخهای وطن پرستانه آقای بشردوست را در سایت خانم شجاع سحبه جان به آدرس (www.afghanistantv.org/tv/sajia-tv-shows-)، و نیز در پورتال افغان جرمن آنلاين بشنوند و بر آن قضاوت نمود.

و اما به ارتباط پیشنهاد آقای بشردوست میخوام به عرض برسانم که کاش این پیشنهاد شان مورد قبول شورای امنیت ملل متحد واقع شود، و از آن طریق عدالت در کشور ما تحقق یابد، مگر امیدوار نیستم که شورای امنیت بدون مرضا و موافقت امریکا در قضیه افغانستان از این پیشتر برود. زیرا همین حالا هم قوت های ائتلاف بین المللی بر رهبری امریکا در افغانستان زیر نام قوای صلح (آیساف) به اجازه و موافقت شورای امنیت سازمان ملل متحد در افغانستان حضور دارند و امریکا که در رأس نیروهای ناتو در افغانستان قرار دارد، وظیفه خود میداند تا امنیت و ثبات را در افغانستان حاکم سازد و هرگاه امریکا نتواند امنیت را به افغانستان برگرداند، از دو حالت خالی نخواهد بود:

اول اینکه، امریکا بخاطر پیاده کردن اهداف استراتژیک خود نمیخواهد صلح و امنیت به این زودی به افغانستان برگردد، که در اینصورت شورای امنیت نمیتواند برخلاف نیات امریکا کاری بکند.

دوم اینکه، شاید بیش از این زور امریکا و ناتو در از میان بردن لانه های تروریستی و افراطیون مذهبی نمیرسد، پس در این صورت اگر شورای امنیت اختیار امور افغانستان را بدست هم بگیرد، باز هم نیروی اجرائیوی شورای امنیت راهمین امریکا و ناتو تشکیل خواهند داد و باز هم همان آش و همان کاسه خواهد بود.

در مورد اتحاد و تشکل روشنفکران افغان در خارج از کشور باید عرض نمایم که افغانهای مقیم اروپا و امریکا که دارای تحصلات و تجارب کاری بیشتر اند، گویی باهم عهد بسته اند که هرگز باهم اتفاق و اتحاد نکنند، زیرا تجربه نشان

داده که آنها هنوز مشکلات زیادی دارند که نمی توانند برای نجات کشور از بحران موجوده با هم متحد شوند و یک کار دسته جمعی مفید انجام دهند. در گذشته نه چندان دور، در این راستا تلاش هایی از سوی برخی شخصیت های وطن دوست چون: **آقای مسکینیار و آقای عباسی و آقای جهانی** در امریکا براه افتاد، ولی بنابر سنگ اندازی برخی از افراد مغرض و خود خواه، متأسفانه این تلاش ها بجای نرسید. بنابراین به نظر میرسد که در خارج از کشور امکان بوجود آمدن یک تشکل روشنفکرانه کارمشکلی است. و شاید در داخل کشور چنین اتحاد و تشکلی امکان پذیر باشد، اما وقتی می شنویم که در داخل کشور نیز تعداد سازمانهای سیاسی از ۱۰۰ حزب و تشکل فراتر رفته است، در حالی که مرام و اهداف بسیاری از این احزاب یکی است، ولی باهم یکی نمیشوند، من این خصوصیت افغانان را در قالب یک بیت چنین بیان میکنم:

عهد بستند که وحدت نکنند افغانان نه بخارج نه بداخل نه به هیچ جای دگر

در هر حال نباید دامن امید را از دست داد، برای ایجاد یک تشکل وسیع البنیاد قبل از همه باید شخصیتی را جستجو کرد که واقعاً در غم نجات مردم از منجلا ببدبختیها باشد. خودش درد رسیده و ستم کشیده و از لایه های فرودست جامعه باشد. خودش مزه ظلم، بی عدالتی، زورگوئی، حق کشی، بی بازخواستی، فقر، گرسنگی و هر دم شهیدی را چشیده باشد. خودش از غم ورنج مردم باخبر باشد و خودش عملاً بر زحمات مردم زجر کشیده مرهم گذاشته باشد. خودش نان شکم خود را با گرسنه گان و آوارگان پابرنه وطن تقسیم کرده باشد. فکرمیکنم که خانم دلسوز وطن خانم سجیه، بهتر از هر کس دیگری این شخصیت وطنخواه و مردم دوست و مهربان و غمخوار را پیدا کرده است. این شخصیت، جز آقای بشردوست، کسی دیگر نیست. خانم سجیه در مصاحبه تاریخی خود از آقای بشردوست خواهش نمود تا دست به ایجاد تشکلی در داخل کشور بزند. پیشنهاد خانم سجیه به آقای بشردوست بهترین پیشنهاد است.

من به تائید از پیشنهاد خانم سجیه، طرفدار ایجاد تشکلی بنام "**جنبش عدالت خواهی**" بر محور آقای بشردوست در خود افغانستان هستم. آقای بشردوست اگر قدم به جلو گذارد و جنبش عدالت خواهی را در افغانستان بحرکت آورد، یقین دارم که از سوی تمام عدالت خواهان کشور، از سوی تمام ستم رسیدگان کشور، از سوی تمام مصیبت دیدگان و بالاخره از سوی تمام آنهایی ملعبه ظلم و ستم زورمندان در سه دهه اخیر واقع شده اند، مورد حمایت وسیع قرار خواهد گرفت. هرگاه آقای بشردوست، بر سر خیمه خود صرف همین جمله را بگونه شعار بنویسد که: **«کی عدالت میخواید؟»** فکر میکنم همه آنها که عزیزان خود را در حوادث خونبار سه دهه جنگ از دست داده اند، تا آنها که کودکان ۴-۵-۶-۷ ساله شان مورد تجاوز جنسی ناقضین حقوق بشر قرار گرفته است یا آنها که ملکیت های شخصی و خانه و کاشانه شان از سوی زور مندان غصب گردیده، خلاصه از شاه تا گدا به او رجوع خواهند کرد و خواهند گفت که: **ما عدالت میخوایم!**

من باور دارم که همه روشنفکران و خبره گان و چیز فهمان افغان مقیم خارج، یک لحظه هم وطن خود را فراموش نکرده اند و نمیکند و همگی خواهان آن اند تا در وطن شان صلح و امنیت و یک حکومت ملی مستقر و حکمفرما گردد که از صادق ترین و نیکنام ترین و مجرب ترین افراد این کشور تشکیل شده باشد. کابینه ئی داشته باشیم که اعضای آن خود را خدمتگار مردم بدانند و اشک از رخ مظلومان و ستم رسیدگان و بیوه زنان و یتیمان پاک کنند و مثل آقای بشردوست، نان شکم خود را با فقیران و گرسنه گان تقسیم نمایند. پس وقتی چنین احساسی نزد همه افغانهای خارج و داخل وطن (غیر وابسته با اقلیت مفت خوار دولت کرزی) موجود باشد، چرا از **داکتر رمضان بشردوست** حمایت نشود که، هم آدم واقعاً بشر دوست است و هم شخص تحصیل کرده و با دانش. هم دستش به خون مردم آغشته نیست و هم امتحان صداقت و بشردوستی خود را با سرفرازی به مردم افغانستان داده است. و هیچگونه تعصب زبانی و قومی و نژادی و مذهبی ندارد و بالاتر از اینها، تا کنون متهم به جاسوسی و غلامی به هیچیک از کشورهای خارجی نیست. و بنا بر همین برانزگی های شخصیت خود توانست که در انتخابات ریاست جمهوری، بیش از پنجصد هزار رأی مردم را بدون استعمال زر و یا زور از همه اقوام شریف افغانستان بدست آورد. این پنجصد هزار نفر قوت بزرگی است که بر اعتبار و محبوبیت آقای بشردوست نسبت به هر رجل سیاسی افغانستان می افزاید.

پس باید آقای آقای بشردوست، با همین پشتوانه مردمی، بمنظور نجات کشور از بحران موجوده آستین ها را بالا بزند و تشکلی را بنام "**جنبش عدالت خواهی**" هرچه زودتر ایجاد و بحرکت اندازد. باور دارم که از سوی وطن پرستان خارج کشور نیز حمایت و تقویت خواهد شد و روزی میتواند با احزاب تک قومی و مذهبی در افغانستان به رقابت برخیزد و با مبارزات سالم مدنی کشور را از منجلا ببدبختیها نجات بخشد؟

با صراحت باید اعتراف کرد که، تازمانی که یک چنین تشکلی ایجاد نشود، هر قدر بیانه های فصیح و مصاحبات علمی و سخنرانی های بلیغ از طریق تلویزیونها و سایت های انترنیتی پخش و نشر شوند، ره بجایی نخواهند برد

ومجامع بین المللی بدان توجهی نخواهند کرد و تاثیری هم نخواهند داشت. پس بهتر است تا انسانهای بادرک کشور هرچه زودتر وجدی تر دست بکار شوند و تشکل عدالت خواهی را در داخل کشور در محور آقای بشردوست سامان دهند. این جنبش می باید از طرف عناصر وطندوست خارج کشور مورد حمایت مادی و معنوی قرار گیرد. البته در صورت آمادگی آقای بشردوست، برای ایجاد جنبش عدالت خواهی، حتماً کسانی پیدا خواهند شد که وی را حمایت مالی کنند. در ضمن باید خاطر نشان کرد که آقای بشردوست تا یکی دوماه که از سوی وطندوستان خارج حمایت مالی شوند، میتوانند خود از معاش خود مبلغی را برای تدارک یک دفتر و تلفون ویکی دو کارمند تدارک ببینند.

برای آقای بشردوست ضروری است که مشاورانی متشکل از شخصیت های صاحب نظر و سیاستمدان او را یاری کنند تا حرکت جنبش را تنظیم و هدایت کنند و مطابق اهداف مشخص با رسانه های جمعی به موقع تماس گرفته شود. تیم مشاوران می باید در ترکیب خود همکاری و مساعدت آنده از ژورنالستان و اهل قلم و مطبوعات را جلب کند که امکانات رساندن صدای این جنبش را بگوش هموطنان و نیز مجامع بین المللی وقتاً فوقتاً داشته باشند. در این عرصه چشم امید وطندوستان بسوی تلویزیونهای جهانی آریانا افغانستان و پیام افغان دوخته است. پیشاپیش میتوان روی همکاریهای **خاتم سجدیه و آقای عباسی** حساب کرد.

به امید برداشتن گام های استوار در راه **ایجاد جنبش عدالت خواهی تحت رهبری آقای بشردوست!**

پایان